



یعنی نمی دانم چه کسانی درجه یک می شوند و چه کسانی درجه دو و سه ولی به عنوان یک بازیگر این را می گویم که به هر حال بازیگر یک سری وظایف دارد و این شرح وظایف باید در ابتدای پروژه مشخص باشد و این مساله برای طرف دیگر ماجرا هم صدق می کند. به نظر من اگر شرح وظایف مشخص باشد مشکلی برای کسی پیش نمی آید و همه کارشان را می کنند.

آیا قائل به مالیات و پرداخت های دولتی برای بازیگر هستید؟ همان اندازه که مطالبات یک بازیگر برای شما مهم است، آیا وظیفه ی یک آرتیست می دانید که مالیات بدهد؟

حتما؛ وظیفه ی هر شهروندی می دانم که مالیات بدهد و مالیات را به عنوان یک شهروند حتما وظیفه ی خودم می دانم. ماجرای اینکه مالیات ندادن بازیگرها بولد شده این است که در همه جای دنیا برای فرهنگ ارج و قربی قائل هستند، یعنی به بازیگر به عنوان قشر فرهنگی جامعه نگاه می شود. به همین خاطر ما باید یک مقدار این دیدگاه را عوض کنیم؛ یعنی در همه جای دنیا واژه ی هنرمند، قبل از واژه ی سلبریتی می آید. واژه ی منحوس سلبریتی مد شده و به هر آدمی که تعدادی فالور در فضای مجازی می گیرد سلبریتی می گویند و واقعیت این است که شان هنرمند یک مقداری بالاتر از این حرف ها است.

تعامل تهیه کننده با بازیگر در ایران تا چه اندازه حرفه ای است؟ یعنی

باشند. آیا شما به عنوان یک روزنامه نگار و خبرنگار چنین متر و مقیاسی را می بینید؟ ماجرا این است که ترجیح من به عنوان بازیگر این است که تماما خودم را به تیم تولید و تهیه کننده بسپارم. اگر بخوادم در سریال «افرا» بگویم؛ این تعامل خیلی خوب اتفاق افتاد ولی اگر بخوادم به طور کلی بگویم به عنوان مثال به آفیش و درجه بندی بازیگرها اشاره کردید که به نظر من این مسائل مهم نیست. مهم این است که آدم ها وقتی دارند یک کاری را قبول می کنند - چه بازیگر و چه عوامل - شرح وظایف باید دقیقا مشخص باشد. یعنی حوزه ها و توقعات و در عین حال امکانات کاملا مشخص باشد. شاید این موضوعی که به آن اشاره می کنم خیلی ایده آل گرایانه باشد ولی بازیگر باید بیاید نقشش را بازی کند. برای مثال اگر به او می گویند که ساعت چهار یا شش صبح بیا، باید بیاید.

حتی اگر بگویند که حق نداری بیست و چهار بخوابی، باید نخوابد اما چه زمانی این باید و نبایدها احوالات کسی را بد نمی کند؟ زمانی که در روز شروع کار همه چیز منسجم برای هر دو طرف مشخص باشد. به قول زنده یاد کیارستمی قرار مهم تر از قرارداد است و آن چیزی که بعضا شاید به نوعی دارد به روند برخی از آثار آسیب می زند و آن چیزی که شاید دارد اذیت می کند و آدم ها را دچار ناراحتی می کند این است که انگار نه قرارها دیگر خیلی مهم است و نه قراردادها؛ و این یک مقداری آزار دهنده است. واگر نه ارتباطی به درجه ی دو و سه ندارد. من اصلا نمی دانم که این درجه بندی یعنی چه؛



ماجرای اینکه مالیات ندادن بازیگرها بولد شده این است که در همه جای دنیا برای فرهنگ ارج و قربی قائل هستند، یعنی به بازیگر به عنوان قشر فرهنگی جامعه نگاه می شود. به همین خاطر ما باید یک مقدار این دیدگاه را عوض کنیم؛ یعنی در همه جای دنیا واژه ی هنرمند، قبل از واژه ی سلبریتی می آید

یک بازیگر می تواند داشته باشد فیلمنامه ی منسجم است و همچنین شرایط ایمن برای اینکه کارش را درست انجام دهد و تنها دغدغه اش انجام کارش باشد. بقیه ی حوزه ها متخصصین خودش را دارد. رسانه را باید به اهل رسانه سپرد، مدیریت را باید به اهل مدیریت سپرد، تهیه کنندگی را باید به تهیه کننده سپرد و تمرکز بازیگر فقط باید روی کار خودش باشد. من برعکس این مساله را هم خطا می دانم. یعنی اگر بازیگر هم در حوزه های تخصصی و کارهای دیگران خواهد دخالت نایجا کند - که این دخالت نایجا قطعاً با فضای پیشنهاد متفاوت است - به نظر من شأن حرفه ای خودش را زیر سوال برده است.

با این اوصاف مطالبات بازیگر حین تولید چیست و آیا تفاوتی بین درجه بندی بازیگران وجود دارد؟ در واقع آیا بازیگران می توانند که در حین تولید مطالبات یکسان داشته باشند؟ برای مثال به لحاظ زمان آفیش، مرخصی ها، گریم، لباس و مواردی از این دست؛ یا آنطور که در ایران وجود دارد مرتبه بندی است؟ یعنی بازیگر درجه یک با بازیگر درجه دو یا سه فرق دارد.

نکته اینجاست باید ببینیم چه مقیاسی برای این درجه بندی وجود دارد که همه آن را تایید کنند. ما وقتی در مورد معیار و مقیاس صحبت می کنیم باید حداقل اعضای یک صنف، همگی آن معیار و مقیاس را قبول داشته